

الرَّوَّاجُ وَالْحَيَاةُ الزَّوْجِيَّةُ

¹ وَأَمَّا مِنْ جِهَةِ الْأُمُورِ الَّتِي كَتَبْتُ لِي عَنْهَا، فَحَسَنٌ لِلرَّجُلِ أَنْ لَا يَتَمَسَّ امْرَأَةً، وَلَكِنْ لِيَسَبِّبَ الرَّثَا لِيَكُنْ لِكُلِّ وَاحِدٍ امْرَأَةٌ وَلِيَكُنْ لِكُلِّ وَاحِدَةٍ رَجُلًا. لِيُوفِ الرَّجُلُ الْمَرْأَةَ حَقَّهَا الْوَاجِبَ وَكَذَلِكَ الْمَرْأَةُ أَيْضًا الرَّجُلَ. ⁴ لَيْسَ لِلْمَرْأَةِ تَسَلُّطٌ عَلَى جَسَدِهَا بَلْ لِلرَّجُلِ، وَكَذَلِكَ الرَّجُلُ أَيْضًا، لَيْسَ لَهُ تَسَلُّطٌ عَلَى جَسَدِهِ بَلْ لِلْمَرْأَةِ. ⁵ لَا يَسْلُبُ أَحَدُكُمُ الْآخَرَ إِلَّا أَنْ يَكُونَ عَلَى مُوَافَقَةٍ إِلَى جِينٍ، لِكَيْ تَتَقَرَّعُوا لِلصَّوْمِ وَالصَّلَاةِ ثُمَّ تَجْتَمِعُوا أَيْضًا مَعًا لِكَيْ لَا يُجَزِّبَكُمُ الشَّيْطَانُ لِيَسَبِّبَ عَدَمَ تَرَاهِنِكُمْ. ⁶ وَلَكِنْ أَقُولُ هَذَا عَلَى سَبِيلِ الْإِذْنِ لَا عَلَى سَبِيلِ الْأَمْرِ. ⁷ لَأَنِّي أُرِيدُ أَنْ يَكُونَ جَمِيعُ النَّاسِ كَمَا أَنَا، لَكِنَّ كُلَّ وَاحِدٍ لَهُ مَوْهِبَتُهُ الْخَاصَّةُ مِنَ اللَّهِ، الْوَاحِدُ هَكَذَا وَالْآخَرُ هَكَذَا. ⁸ وَلَكِنْ أَقُولُ لِعَبَرِ الْمُتَزَوِّجِينَ وَلِلْأَرَامِلِ: إِنَّهُ حَسَنٌ لَهُمْ إِذَا لَبَسُوا كَمَا أَنَا. ⁹ وَلَكِنْ إِنْ لَمْ يَضِطُّوا أَنْفُسَهُمْ فَلْيَتَزَوَّجُوا، لَأَنَّ التَّزَوُّجَ أَصْلَحُ مِنَ التَّحَرُّقِ.

الطَّلَاقُ

¹⁰ وَأَمَّا الْمُتَزَوِّجُونَ فَأَوْصِيهِمْ، لَا أَنَا بَلِ الرَّبُّ: أَنْ لَا تُفَارِقَ الْمَرْأَةُ رَجُلَهَا، ¹¹ وَإِنْ فَارَقَتْهُ فَلْيَلْبَسْ عَيْزَ مُتَزَوِّجَةٍ أَوْ لِيُصَالِحْ رَجُلَهَا، وَلَا يَتْرُكِ الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ. ¹² وَأَمَّا الْبَاثِقُونَ فَأَقُولُ لَهُمْ أَنَا، لَا الرَّبُّ: إِنْ كَانَ أَحَدٌ لَهُ امْرَأَةٌ غَيْرُ مُؤْمِنَةٍ، وَهِيَ تَرْتَضِي أَنْ تَسْكُنَ مَعَهُ، فَلَا يَتْرُكْهَا، ¹³ وَالْمَرْأَةُ الَّتِي لَهَا رَجُلٌ غَيْرُ مُؤْمِنٍ، وَهُوَ يَرْتَضِي أَنْ يَسْكُنَ مَعَهَا، فَلَا تَتْرُكُهُ. ¹⁴ لَأَنَّ الرَّجُلَ غَيْرَ الْمُؤْمِنِ مُقَدَّسٌ فِي الْمَرْأَةِ وَالْمَرْأَةُ غَيْرُ الْمُؤْمِنَةِ مُقَدَّسَةٌ فِي الرَّجُلِ، وَلَا فَأَوْلَادُكُمْ تَجْسُونَ، وَأَمَّا الْآنَ فَهُمْ مُقَدَّسُونَ. ¹⁵ وَلَكِنْ إِنْ فَارِقَ غَيْرُ الْمُؤْمِنِ، فَلْيَفَارِقْ، لَيْسَ الْأَخُ أَوْ الْأُخْتُ مُسْتَعْبَدًا فِي مِثْلِ هَذِهِ الْأَحْوَالِ، وَلَكِنَّ اللَّهَ قَدْ دَعَانَا فِي السَّلَامِ. ¹⁶ لَأَنَّهُ كَيْفَ تَعْلَمِينَ، أَيُّهَا الْمَرْأَةُ، هَلْ تُخَلِّصِينَ الرَّجُلَ؟ أَوْ كَيْفَ تَعْلَمُ، أَيُّهَا الرَّجُلُ، هَلْ تُخَلِّصُ الْمَرْأَةَ؟

الحفاظ على دعوة الله

¹⁷ غَيْرَ أَنَّهُ كَمَا قَسَمَ اللَّهُ لِكُلِّ وَاحِدٍ، كَمَا دَعَا الرَّبُّ كُلَّ وَاحِدٍ، هَكَذَا لِيَسْلُكْ وَهَكَذَا أَنَا أَمُرُّ فِي جَمِيعِ الْكَنَائِسِ. ¹⁸ دُعَايَ أَحَدٌ وَهُوَ مَخْثُونٌ، فَلَا يَصِرْ أَعْلَفَ، دُعَايَ أَحَدٌ فِي الْعُرْلَةِ، فَلَا يَخْتِنِ. ¹⁹ لَيْسَ الْجَنَانُ شَيْئًا وَلَيْسَتْ الْعُرْلَةُ شَيْئًا بَلْ حِفْظُ وَصَايَا اللَّهِ. ²⁰ أَلَدَّعُوهُ الَّتِي دُعِيَ فِيهَا كُلُّ وَاحِدٍ فَلْيَلْبَسْ فِيهَا. ²¹ دُعِيَتْ وَأَنْتَ عَبْدٌ فَلَا يَهْمُكَ،

درباره ازدواج

¹ اما درباره آنچه به من نوشته بودید، مرد را نیکو آن است که زن را لمس نکند. ² لکن به سبب زنا، هر مرد زوجه خود را بدارد و هر زن شوهر خود را بدارد. ³ و شوهر حق زن را ادا نماید و همچنین زن حق شوهر را. ⁴ زن بر بدن خود مختار نیست بلکه شوهرش، و همچنین مرد نیز اختیار بدن خود ندارد بلکه زنش، ⁵ از یکدیگر جدایی مگزینید مگر مدتی به رضای طرفین تا برای روزه و عبادت فارغ باشید؛ و باز با هم پیونديد مبدا شیطان شما را به سبب نا پرهیزی شما در تجربه اندازد. ⁶ لکن این را می گویم به طریق اجازه نه به طریق حکم، اما می خواهم که همه مردم مثل خودم باشند. لکن هرکس نعمتی خاص از خدا دارد، یکی چنین و دیگری چنان. ⁸ لکن به مجرّدين و بیوه زنان می گویم که ایشان را نیکو است که مثل من بمانند. ⁹ لکن اگر پرهیز ندارند، نکاح بکنند زیرا که نکاح از آتش هوس بهتر است.

طلاق

¹⁰ اما منکوحان را حکم می کنم و نه من بلکه خداوند: که زن از شوهر خود جدا نشود؛ ¹¹ و اگر جدا شود، مجرّد بماند یا با شوهر خود صلح کند؛ و مرد نیز زن خود را جدا نسازد. ¹² و دیگران را من می گویم نه خداوند: که اگر کسی از برادران زنی بی ایمان داشته باشد و آن زن راضی باشد که با وی بماند، او را جدا نسازد. ¹³ و زنی که شوهر بی ایمان داشته باشد و او راضی باشد که با وی بماند، از شوهر خود جدا نشود. ¹⁴ زیرا که شوهر بی ایمان از زن خود مقدّس می شود و زن بی ایمان از برادر مقدّس می گردد و اگر نه اولاد شما ناپاک می بودند، لکن الحال مقدّسند. ¹⁵ اما اگر بی ایمان جدایی نماید، بگذارش که بشود زیرا برادر یا خواهر در این صورت مقید نیست و خدا ما را به سلامتی خوانده است. ¹⁶ زیرا که تو چه دانی، ای زن، که شوهرت را نجات خواهی داد؟ یا چه دانی، ای مرد، که زن خود را نجات خواهی داد؟

دعوت خدا

¹⁷ مگر اینکه به هرطور که خداوند به هرکس قسمت فرموده و به همان حالت که خدا هرکس را خوانده باشد، بدینطور رفتار بکند؛ و همچنین در همه کلیساهای

بَلْ وَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَصِيرَ حُرّاً فَاسْتَعْمِلْهَا بِالْحَرِيِّ.²² لَأَنَّ مَنْ دُعِيَ فِي الرَّبِّ وَهُوَ عَبْدٌ فَهُوَ عَتِيقُ الرَّبِّ، كَذَلِكَ أَيْضاً الْحُرُّ الْمَدْعُوُّ هُوَ عَبْدٌ لِلْمَسِيحِ.²³ قَدْ اسْتُرِشْتُمْ بِئِمْنٍ فَلَا تَصِيرُوا عِبِيداً لِلنَّاسِ.²⁴ مَا دُعِيَ كُلُّ وَاحِدٍ فِيهِ، أَيُّهَا الْإِخْوَةُ، فَلْيَلْبَسْ فِي ذَلِكَ مَعَ اللَّهِ.

الزواج أم حياة البُتْل

وَأَمَّا الْعَذَارَى فَلْيَسْ عِنْدِي أَمْرٌ مِنَ الرَّبِّ فِيهِنَّ وَلَكِنِّي أُعْطِي رَأياً كَمَنْ رَحِمَهُ الرَّبُّ أَنْ يَكُونَ أَمِيناً.²⁶ فَأَطْلُ أَنْ هَذَا حَسَنٌ لِسَبِّ الصِّبِيِّ الْخَاصِرِ، أَنَّهُ حَسَنٌ لِلْإِنْسَانِ أَنْ يَكُونَ هَكَذَا.²⁷ أَنْتِ مُرْتَبِطٌ بِامْرَأَةٍ، فَلَا تَطْلُبِ الْإِنْفِصَالَ، أَنْتِ مُنْقَصِلٌ عَنِ امْرَأَةٍ، فَلَا تَطْلُبِ امْرَأَةً.²⁸ لَكِنَّكَ وَإِنْ تَزَوَّجْتَ لَمْ تُخْطِئِي وَإِنْ تَزَوَّجْتَ الْعَذْرَاءُ لَمْ تُخْطِئِي، وَلَكِنْ مِثْلُ هَؤُلَاءِ يَكُونُ لَهُمْ صَبِيٌّ فِي الْجَسَدِ، وَأَمَّا أَنَا فَإِنِّي أَشْفِقُ عَلَيْكُمْ.²⁹ فَأَقُولُ هَذَا، أَيُّهَا الْإِخْوَةُ: الْوَقْتُ مُنْذُ الْآنِ مُقَصَّرٌ لِكَيْ يَكُونَ الَّذِينَ لَهُمْ نِسَاءٌ كَأَنْ لَيْسَ لَهُمْ،³⁰ وَالَّذِينَ يَكُونُ كَأَنَّهُمْ لَا يَكُونُونَ، وَالَّذِينَ يَفْرَحُونَ كَأَنَّهُمْ لَا يَفْرَحُونَ، وَالَّذِينَ يَسْتُرُونَ كَأَنَّهُمْ لَا يَسْتَعْمِلُونَ،³¹ وَالَّذِينَ يَسْتَعْمِلُونَ هَذَا الْعَالَمَ كَأَنَّهُمْ لَا يَسْتَعْمِلُونَهُ، لَأَنَّ هَيْئَةَ هَذَا الْعَالَمِ تَزُولُ.³² فَأَرِيدُ أَنْ تَكُونُوا بِلَا هَمٍّ، غَيْرَ الْمُتَزَوِّجِ بَنَتُهُمْ فِي مَا لِلرَّبِّ كَيْفَ يُرْضِي الرَّبَّ،³³ وَأَمَّا الْمُتَزَوِّجُ فَبَنَتُهُمْ فِي مَا لِلْعَالَمِ كَيْفَ يُرْضِي امْرَأَتَهُ.³⁴ إِنَّ بَيْنَ الرُّوْحَةِ وَالْعَذْرَاءِ فَرْقٌ، غَيْرَ الْمُتَزَوِّجَةِ تَهْتَمُّ فِي مَا لِلرَّبِّ لِتَكُونَ مُقَدَّسَةً جَسَداً وَرُوحاً، وَأَمَّا الْمُتَزَوِّجَةُ فَتَهْتَمُّ فِي مَا لِلْعَالَمِ كَيْفَ تُرْضِي رَجُلَهَا.

هَذَا أَقُولُهُ لِحَبْرِكُمْ، لَيْسَ لَكِي الْقِيَّ عَلَيْكُمْ وَهَقّاً بَلْ لِأَجْلِ اللَّيَاقَةِ وَالْمُنَابَرَةِ لِلرَّبِّ مِنْ دُونِ ارْتِبَاكِ.³⁶ وَلَكِنْ إِنْ كَانَ أَحَدٌ يَطْلُ أَنَّهُ يَعْمَلُ بِدُونِ لَيَاقَةٍ يَحْوِ عَذْرَائِي إِذَا تَجَاوَزَتِ الْوَقْتُ، وَهَكَذَا لَزِمَ أَنْ يَصِيرَ، فَلْيَفْعَلْ مَا يُرِيدُ، إِنَّهُ لَا يَخْطِئُ، فَلْيَتَزَوَّجْ.³⁷ وَأَمَّا مَنْ أَقَامَ رَاسِخاً فِي قَلْبِهِ وَلَيْسَ لَهُ اضْطِرَارٌّ بَلْ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى إِزَادَتِهِ وَقَدْ عَزَمَ عَلَى هَذَا فِي قَلْبِهِ أَنْ يَحْفَظَ عَذْرَاءَهُ، فَحَسَناً يَفْعَلُ.³⁸ إِذَا مَنْ رَوَّجَ، فَحَسَناً يَفْعَلُ، وَمَنْ لَا يَرَوِّجُ، يَفْعَلُ أَحْسَنَ.³⁹ الْمَرْأَةُ مُرْتَبِطَةٌ بِاللَّامُوسِ مَا دَامَ رَجُلُهَا حَيّاً، وَلَكِنْ إِنْ مَاتَ رَجُلُهَا فَهِيَ حُرَّةٌ لِكَيْ تَتَزَوَّجَ بِمَنْ تُرِيدُ، فِي الرَّبِّ فَقَطْ.⁴⁰ وَلَكِنَّهَا أَكْثَرُ غَبِطَةٌ إِنْ لَيْسَتْ هَكَذَا، يَخْسِبُ رَأْيِي، وَأَطْلُ أَنِّي أَنَا أَيْضاً عِنْدِي رُوحٌ لِلهِ.

امر می‌کنم.¹⁸ اگر کسی در مختونی خوانده شود، نامختون نگردد و اگر کسی در نامختونی خوانده شود، مختون نشود.¹⁹ ختنه چیزی نیست و نامختونی هیچ، بلکه نگاه داشتن امرهای خدا.²⁰ هرکس در هر حالتی که خوانده شده باشد، در همان بماند.²¹ اگر در غلامی خوانده شدی تو را باکی نباشد، بلکه اگر هم می‌توانی آزاد شوی، آن را اولیتر استعمال کن.²² زیرا غلامی که در خداوند خوانده شده باشد، آزاد خداوند است؛ و همچنین شخصی آزاد که خوانده شد، غلام مسیح است.²³ به قیمتی خریده شدید، غلام انسان نشوید.²⁴ ای برادران، هرکس در هر حالتی که خوانده شده باشد، در آن نزد خدا بماند.

درباره افراد مجرّد و بیوه زن

اما دربارهٔ باکره‌ها حکمی از خداوند ندارم. لکن چون از خداوند رحمت یافتم که امین باشم، رأی می‌دهم.²⁶ پس گمان می‌کنم که بجهت تنگی این زمان، انسان را نیکو آن است که همچنان بماند.²⁷ اگر با زن بسته شدی، جدایی مجوی و اگر از زن جدا هستی دیگر زن نخواه.²⁸ لکن هرگاه نکاح کردی، گناه نورزیدی و هرگاه باکره منکوحه گردید، گناه نکرد. ولی چنین در جسم زحمت خواهند کشید، لیکن من بر شما شفقت دارم.²⁹ اما، ای برادران، این را می‌گویم وقت تنگ است تا بعد از این آنانی که زن دارند مثل بیزن باشند و گریبانان چون ناگریبانان و خوشحالان مثل ناخوشحالان و خریداران چون غیرمالکان باشند،³¹ و استعمال کنندگان این جهان مثل استعمال کنندگان نباشند، زیرا که صورت این جهان درگذر است.³² اما خواهش این دارم که شما بیاندیشه باشید. شخص مجرّد در امور خداوند می‌اندیشد که چگونه رضامندی خداوند را بجوید؛³³ و صاحب زن در امور دنیا می‌اندیشد که چگونه زن خود را خوش بسازد.³⁴ در میان زن منکوحه و باکره نیز تفاوتی است، زیرا باکره در امور خداوند می‌اندیشد تا هم در تن و هم در روح مقدّس باشد؛ اما منکوحه در امور دنیا می‌اندیشد تا شوهر خود را خوش سازد.

اما این را برای نفع شما می‌گویم نه آنکه دامی بر شما بنهم بلکه نظر به شایستگی و ملازمت خداوند، بی تشویش.³⁶ لکن هرگاه کسی گمان برد که با باکره

خود ناشایستگی می‌کند، اگر به حد بلوغ رسید و ناچار است از چنین شدن، آنچه خواهد بکند؛ گناهی نیست؛ بگذار که نکاح کنند.³⁷ اما کسی که در دل خود پایدار است و احتیاج ندارد بلکه در اراده خود مختار است و در دل خود جازم است که باکره خود را نگاه دارد، نیکو می‌کند.³⁸ پس هم کسی که به نکاح دهد، نیکو می‌کند و کسی که به نکاح ندهد، نیکوتر می‌نماید.

بیوه‌ها

³⁹ زن مادامی که شوهرش زنده است، بسته است. اما هرگاه شوهرش مرد آزاد گردید تا به هرکه بخواهد منکوحه شود، لیکن در خداوند فقط.⁴⁰ اما بحسب رأی من خوشحالت‌تر است، اگر چنین بماند و من نیز گمان می‌برم که روح خدا را دارم.